

سخنرانی کرمها



سالن پذیرایی پر از کرمهای ریز و درشت بود. همه سر جاهایشان نشسته بودند تا به سخنرانی دو تا از بدجنسترین کرمها گوش بدن. اول کرم چاق میکروفون را برداشت و شروع کرد...

سالن پذیرایی پر از کرمهای ریز و درشت بود. همه سر جاهایشان نشسته بودند تا به سخنرانی دو تا از بدجنسترین کرمها گوش بدن. اول کرم چاق میکروفون را برداشت و شروع کرد به حرف زدن. می گفت من عاشق هله هوله و چیزهای شیرین هستم. بعد آب دهانش را قورت داد و گفت پفک، چیپس، لواشکهای غیر بهداشتی، شکلات خیلی زیاد، قند.... به به

همه ی تماشاچیا از این صحبتها کیف کردند و شروع کردن به دست زدن و سوت کشیدن. اما این کرم هنوز خودش را معرفی نکرده بود. برای اینکه همه ساکت شوند سرفه ای کرد و گفت صبر کنید هنوز حرفم تمام نشده بگذارید خودمو معرفی کنم. من کرم روده هستم و در دیواره ی روده ی آدمهای مریض زندگی می کنم. تماشاچیا دوباره شلوغ کردن و هی دست زدن. من یک پیام مهم هم برای بچه ها دارم. من از بچه ها خواهش می کنم تا می توانند بهداشت را رعایت نکنند. دستهایشان را با صابون نشویند. ناخنهایشان را کوتاه نکنند و دائما هله هوله بخورند تا من توی شکمهایشان کیف کنم. اجازه بدهید من روده های شما را حسابی گاز گاز کنم و برای شما دلیلیچه و بیماریهای ... درست کنم. سخنرانی کرم روده تمام شد. حالا یک کرم دیگر برای سخنرانی پشت میکروفون رفت. وای ... وای ... وای ... این دیگه چه کرمیه؟!!

عجب شکل وحشتناکی! بیشتر شبیه سوسکه. نیش داره. شاخک داره. چقدر بدجنس به نظر می یاد. همه ساکت شدند و حسابی گوشهاشون رو تیز کردند تا زودتر بفهمند این چه کرمیه و چه حرفهایی می خواد بزنه. کرم سوسکی شروع به حرف زدن کرد و گفت من خطرناک ترین کرم در بدن بچه ها هستم. من دندانهای خرد کننده ای دارم. من زور زیادی دارم من می تونم محکم ترین چیزهای دنیا رو خرد کنم. من قهرمان خرابکاری هستم... من یک کرم دندان هستم...

کرمها از خوشحالی جیغ کشیدن و سوت زدن. آنها یک ساعت کرم دندان را تشویق کردند. کرم دندان حسابی کیف کرده بود و خودش را گرفته بود. بلاخره تشویقها تمام شد و کرم دندان دوباره شروع به حرف زدن کرد و گفت: اگر روی یک دندان غذایی باقی بماند و مسواک آنها را تمیز نکند من خیلی زود به آنجا می روم و کارم را شروع می کنم انقدر می کوبم و می زنم تا در شکم آن دندان بیچاره یک چاله ی بزرگ درست می کنم کاری می کنم که بچه ها بعد از مدتی از درد دندانهایشان اشک بریزند.

تماشاچیا دوباره می خواستند دست بزنند اما کرم دندان زود گفت لطفا ساکت باشید صبر کنید مهمترین حرفم باقی مانده. من می خواهم به بچه های عزیز بگم لطفا مسواک نزنید. لطفا تا می توانید قند و شیرینی و شکلات بجوید و بعد از خوردن این چیزها دندانهایتان را تمیز نکنید.

هنوز سالن پذیرایی پر از همهمه و شلوغی بود قرار بود برای پذیرایی یک عالمه شکلات و شیرینی بیاورند اما معلوم نبود چرا دیر کردند. یک دفعه در باز شد و دو تا اسلحه ی بزرگ وارد سالن شد. یکی از اونها یک آمپول بود. یک آمپول کرم کش. اسلحه ی بعدی یک تانک مسواکی بود که همه ی کرمها را بیچاره و لت و پار کرد. بعد از یک ساعت همه ی کرمهای قلدر بی جان روی زمین افتاده بودند